

## حقوق تجارت

امر مزبور قطعاً اگر بطور مستقیم، موجب نکست اعتبارات تجارتي شرکت نگردد در مرحل باعث انس و تا امیدی و عدم رضایت دارندگان سهام شده که ممکن است آنها را وادار به انتقال سهام خود بقیمت های خیلی پستی نماید و از این حیث امورات شرکت را متزلزل سازد.

برای جلوگیری از این قبیل حوادث ممکن است سرمایه شرکت را بمیزان خسارات وارده تقلیل داد تا به جبران سرمایه از دست رفته احتیاجی حاصل نشود و منافع حاصله تقدی عوض اینکه بمصرف این امر برسد بین دارندگان سهام تقسیم تا هر آنها راضی شده و هم نتیجه قیمت اسمی سهام در بازار محفوظ مانده که امور شرکت و اعتبارات آن از این حیث مواجه با اشکالات نگردد.

تغییرات در میزان سرمایه شرکت بر حسب قانون تجارت با تجویز اساس نامه بموجب تصمیمات قانونی مجمع عمومی شرکت خواهد بود. و نظر باینکه قانون مزبور نسبت بطریقه تغییر ساکت است با توجه بقوانین خارجی نسبت به این موضوع رعایت مقررات داخلی بطور کلی ممکن است طبق ذیل را برای عملی نمودن منظور فوق پیشنهاد نمود:

۱ - بوسیله اسرداد سهام - هرگاه سرمایه زائد بر مصرف شرکت موجود باشد میزان زائد تعیین شده و بوسیله اسرداد سهام بدارندگان سهام پرداخته می شود.

۲ - بوسیله تقلیل میزان تعهد دارندگان سهام نسبت بمقداری که از وجه آن بقی مانده و رداخته نشده است.

۳ - کسر کردن ضررهای وارده از سرمایه. طرق دیگری نیز که بنظر دارندگان سهام و شرکت مفید بحال رکت و مضر بحال اشخاص ثالث نباشد بدیهی است منعی نخواهد داشت

در موارد تقلیل سرمایه دو نکته قابل تأمل است اولاً میزان تقلیل باید بموجب اساس نامه معین شده باشد ثانیاً کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حد اقل فرار دادن ممنوع است

افزودن سرمایه شرکت اگر بفتح اشخاص ثالثی که با شرکت روابط تجارتي و حقوقی دارند نباشد مسلماً بضرر آنها نبوده و در هر صورت موجب مزید اعتبارات شرکت است بنا بر این مجالی برای توهم اینکه حقوق اشخاص ثالث در معرض مخاطره و تضییع واقع شود باقی نبوده و باین مناسبت مانعی ندارد که خود شرکاء با تجویز اساس نامه در مجمع عمومی باقی امر مزبور اتخاذ تصمیم کنند لکن تقلیل سرمایه مآلاً در حقوق اشخاص ثالث مؤثر بوده و برای جلوگیری از هرگونه نیت سوئی که ممکن است باین وسیله اعمال و اجراء شود مقتضی شود که تقلیل سرمایه شرکت با تجویز اساس نامه و تصمیم شرکاء در مجمع عمومی موقوف بمسئوب دادگا، های صلاحیت دار عایه شود باین معنی که دادگاه در اموری که باحقوق اشخاص ثالث تماس دارد نظارت کامل در عملیات شرکت های سهامی داشته باشد

فعلاً که نص صریحی در این زمینه در قانون تجارت موجود نمی باشد بدیهی است برای جلوگیری از هرگونه تعدی از طرف شرکت نسبت به حقوق اشخاص ثالث محاکم سعی خواهند داشت طبق مستفاد از کلیات قوانین کشور هر تقلیل بی موردی را که بضرر اشخاص ثالث باشد مؤثر

در حقوق آنها نشناسد ولی چون با توجه بمرحلات قانون تجارت نسبت باین موضوع امر مزبور نظری خواهد بود مقتضی است این قضیه مورد توجه واقع شود

### ب - سهام شرکت

بطوریکه در گذشته اشاره شده است سرمایه شرکتهای سهامی بوسیله تعهد و تقبل سهام گرد می آید یعنی هر تعهد کننده به میزان سهام مورد تعهد و تقبل وجوهی از بابت سرمایه به شرکت می دهد و در مقابل به میزان سهام مزبور در منافع شرکت سهامی و در صورت انحلال شرکت به همان میزان سهام در مازاد دارائی شرکت خواهد بود و باین مناسبت گفته شده است که سهم شرکت سهامی جواز مالکیت در اموال شرکت به نسبت معینی نبوده بلکه جواز استفاده از قرار دادی است که دارنده سهم با شرکت منعقد نموده که باعتبار آن - تحقق دریافت قسمتی از منافع و زیادهای دارائی شرکت در صورت انحلال است

قانون تجارت اساساً تعریفی برای سهم قائل نشده است و بانوجه آنچه تا کنون در اطراف این موضوع مذکور افتاده است چون سهم شرکتهای سهامی در واقع تعهدی است بین شرکت و دارنده آن می توان اظهار کرد که « حق دریافت قسمت معینی از منافع شرکت و سرمایه آن در صورت انحلال » را سهم گویند - از منطوق ماده ۳۴ نیز مستفاد است که قانون تجارت کلمه « سهم » را بجای « ورقه سهم » استعمال نموده است

با توجه بمواد مربوطه به سهام شرکتهای سهامی بالاخره می توان باین نتیجه رسید که در قانون تجارت ما برای سهام انواع مشروحه ذیل مذکور افتاده است :

- ۱ - سهم با اسم
- ۲ - سهم بی اسم
- ۳ - سهم نقدی
- ۴ - سهم غیر نقدی
- ۵ - سهم ممتاز
- ۶ - سهم استقراضی

### ۱ - سهم با اسم

با توجه بجزئیاتی که نسبت به سهام با اسم در قانون تجارت ذکر شده وجه تسمیه آن بمناسبت آنست که اسم دارندگان سهام مزبور در دفتر مخصوصی که برای اینکار در شرکتهای نگاهداری میشود به ثبت میرسد و از این جهت هویت دارندگان سهام همیشه معلوم و مراجعه به آنها در صورت لزوم آسان است

نظر باینکه تمام سرمایه شرکتهای سهامی در بدو تشکیل مورد حاجت نیست و فقط قسمتی از آن که مطابق قانون کمتر از ثبات نخواهد بود مطالبه و پرداخته میشود و مابقی به حال تعهد باقی می ماند مقتضای احتیاط آنست که اسامی و نشانی تعهد کنندگان مزبور همیشه در دسترس شرکت بوده تا در مواقع ضروری با موانع و اشکالاتی که در غیر این صورت محتمل الوقوع است مراجعه نشود

از نقطه نظر حزم و احتیاط مزبور در عمل بطور کلی سهام شرکتهای سهامی در بدو امر با اسم تهیه میشود مشخصات خارجی اوراق سهامی مزبور بطوریکه بعداً ملاحظه خواهد شد عبارتست از تمبرات و ذکر نوع آن است در روی ورقه و علاوه بر آن طبق ماده ۳۴ از قانون تجارت ماده که قیمت آنها کاملاً نادیده نشده است باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده صریحاً روی سهم قید شود

در مورد سهام با اسم ارمقررات مربوطه چنین استفاده نمی شود که سهم دارنده آن لازماً باید در روی ورقه قید شود ظاهراً همین قدر که نوع سهم در خود ورقه قید شده باشد منظور قانون تأمین گردیده و عملاً هم در صورتیکه اسم دارنده در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت رسیده احتیاجی باینکه اسم مزبور در خود ورقه نیز قید شود نمی باشد و عمل اخیر جز مزاحمت نتیجه دیگری ندارد زیرا مالک سهم کسی شناخته می شود که اسم او در دفتر ثبت سهام شرکتهای ثبت شده باشد نه در روی ورقه سهم بنا بر این نباید تصور رود که سهم با اسم بک نوع سهمی خواهد بود که اسم دارنده آن لازماً در روی ورقه سهم قید شده است مع الوصف شرکتهای تجارتنی که در ایران تشکیل گردیده نظر بقصد مقررات